


# The spiritual value of work and earning money in the Qur'anic culture with a jurisprudential, moral and educational approach

**Ehsan Khalili**

Ph.D in jurisprudence and principles Graduated from Qom Seminary, Qom, Iran.  
Ehkh14@gmail.com

 0000-0002-2840-8417

## Abstract

This article deals with the topic of business in the culture of the Quran, explaining the special view of the Quran on earning money and the spiritual Quran clarified work in the culture. The purpose of writing this article was to help promote and strengthen the culture of work as an Islamic value, which is stated in Clause 1 of General Employment Policies, Imam Khamenei's Communiqué. The most important issue in this writing was to correct the belief in the separation between work and spirituality. Some people believe that earning money is a kind of pollution to the world that is in conflict with spirituality, and to earn spirituality, separate times should be set aside. While by explaining the culture of the Qur'an, we found that it is possible to take a spiritual view of earning money and use it to develop spirituality in oneself. This article, with a qualitative research method in the descriptive-analytical branch, based on the disciplined methods of jurisprudential inference, by using the rules of understanding the text in jurisprudence and principles, went to verses and traditions to explain the spiritual value of business in the culture of the Qur'an. Therefore, first the lexical meaning of work in Farsi and Arabic was clarified, then by referring to jurisprudential traditions, the interpretations of Islam for business were obtained. To refer to business, the Holy Quran has used the special expression "Al-Ibatghaa min Fazlullah" which was carefully used in the subtleties used in this definition, the spiritual and special view of the Quran towards earning money was obtained and the spiritual value of work in the culture of the Quran is clear. became.


**Keywords:** Work, Business, earning money, Spirituality, Growth of spirituality, Spirituality in business, Quranic culture.

# ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن با رویکرد فقهی اخلاقی - تربیتی<sup>۱</sup>

احسان خلیلی

سطح چهارم (دکتری) فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Ehkh14@gmail.com

 0000-0002-2840-8417

## چکیده

این مقاله با موضوع کسب و کار در فرهنگ قرآن به تبیین نگاه ویژه قرآن کریم به کسب درآمد پرداخت و ارزش معنوی کار را در فرهنگ قرآن روشن ساخت. هدف از نگارش این مقاله کمک به ترویج و تقویت فرهنگ کار به عنوان ارزشی اسلامی بود که در بند ۱ سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغیه امام خامنه‌ای آمده است. مهم‌ترین مسئله در این نوشتار اصلاح باور به جدایی میان کار و معنویت بود. برخی بر این باورند که کسب درآمد نوعی آلودگی به دنیا است که با معنویت تنافی دارد و برای کسب معنویت باید اوقات جداگانه‌ای قرار داد؛ در حالی که با تبیین فرهنگ قرآن دریافتیم که می‌توان به کسب درآمد نیز نگاهی معنوی داشت و از آن برای رشد معنویت در خود استفاده کرد. این نوشتار با روش تحقیق کیفی در شاخه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش‌های منضبط استنباط فقهی با بهره‌گیری از قواعد فهم متن در فقه و اصول به سراغ آیات و روایات رفت تا ارزش معنوی کسب و کار را در فرهنگ قرآن تبیین کند؛ بنابراین ابتدا معنای واژگانی کار در فارسی و عربی روشن شد سپس با مراجعه به روایت‌های فقهی تعبیر اسلام برای کسب و کار به دست آمد. قرآن کریم برای اشاره به کسب و کار از تعبیر خاص «الابتغاء من فضل الله» استفاده کرده است که با دقت در ظرافت‌های به کار رفته در این تعریف نگاه معنوی و خاص قرآن به کسب درآمد به دست آمد و ارزش معنوی کار در فرهنگ قرآن روشن شد.

**کلیدواژه‌ها:** کار، کسب و کار، کسب درآمد، معنویت، رشد معنویت، معنویت در کسب و کار، فرهنگ قرآن.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.398924.1448

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

## مقدمه و بیان مسئله

افراد شاغل انگیزه‌های مختلف و متفاوتی از شغل خود دارند. بیشتر مردم به‌دنبال درآمدزایی و ثروت هستند و نگاهی مادی به کسب‌وکار دارند؛ اما نگاهی که شاید بسیاری از مردم و مسلمانان از آن غافل باشند، نگاه معنوی و عبادی به‌کار است؛ یعنی هنگام مشغولیت به کار و شغل، به آن به‌عنوان یک فعل عبادی نگاه کنند که مایه رشد معنوی انسان خواهد شد.

این نوع نگاه فراتر از رعایت دستورها و احکام شرعی در کسب‌وکار است. بسیاری از کاسبان در ادوار گذشته و معاصر اهتمام جدی بر رعایت احکام شرعی در کسب‌وکارشان داشتند؛ ولی شاید نگاه معنوی به‌کارشان نداشتند یا به این نکته توجه نمی‌کردند که می‌توان با نگاه معنوی به کسب‌وکار از آن برای ارتقای معنویت در خود بهره برد؛ البته کاسبانی هم بودند که با توجه به توصیه‌های معصومین (علیهم‌السلام) مانند روایت «الکاد علی عیاله» در این مسیر گام برداشتند و بهره‌های فراوان معنوی از شغل خود بردند. این نوشتار قصد دارد مبانی علمی این نگاه را تبیین کند.

بسیاری از شاغلان مسلمان از چنین نگاهی غافلند. برخی با تمایل‌های معنوی به کسب‌وکار اهمیت چندانی نمی‌دهند و خود را مشغول عبادت کرده‌اند و خود و خانواده خویش را در تنگناهای معیشتی قرار داده‌اند و در تأمین معاش خود سربار دیگری شده‌اند. بسیاری دیگر نیز برای تأمین هزینه‌های زندگی به‌دنبال تجارت و کسب‌وکار رفتند و برای کسب معنویت اوقات جداگانه‌ای در نظر گرفتند. دسته سومی نیز هستند که هیچ دغدغه‌ای نسبت به نیازهای معنوی روح ندارند و حتی تکالیف دینی و حداقلی را نیز کنار گذاشتند و با غفلت از یاد خدا به مادیات دنیا مشغول شدند. هر سه دسته افراد اگر بدانند که تجارت و کسب درآمد نه تنها منافاتی با کسب معنویت ندارد بلکه خودش می‌تواند سبب جهش انسان به سمت معنویت و کمالات لایق انسانی قرار بگیرد، مشتاقانه به سمت کسب‌وکار می‌روند و به سبب اشتغال خود به معنویت می‌رسند.

با اصلاح نگاه به کسب‌وکار و نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن کریم درباره تجارت در باطن خویش، می‌توان گام بلندی در معنویت همراه با کار و کسب درآمد برداشت. با تحقق این مهم به قدری تجارت و کسب‌وکار برای انسان شیرین و دلنشین خواهد شد که هیچگاه آن را رها نکرده و از آن نردبانی برای پیمودن راه معنویت و رسیدن

به کمال خواهد ساخت.

چنین نگاهی به کسب و کار و تجارت سبب چشیدن شیرینی کسب درآمد برای افرادی است که دنبال کسب معنویت هستند - چه کسب و کار را رها کرده باشند و چه مشغول به کاری باشند و برای کسب معنویت اوقات جداگانه‌ای اختصاص داده باشند - در هر صورت با تجارت و کسب درآمد غذای معنویشان نیز تأمین می‌شود؛ زیرا با این نگاه کسب درآمد از جهت معنوی با نماز و سایر عبادت‌ها برایشان تفاوتی ندارد و مایه رشد معنوی ایشان می‌شود؛ همچنین افرادی هم که دغدغه‌ای برای کسب معنویت ندارند، اگر چنین نگاهی را به کسب و کار در خود پرورش دهند، نیازهای معنویشان برآورده شده و احساس آرامش بیشتری از زندگی و تجارت خود دارند و زمینه گرایش به انجام تکالیف دینی و معنوی نیز در ایشان پیدا می‌شود و گسترش می‌یابد.

بر اساس فرهنگ قرآن، اشتغال به کار و کسب درآمد ارزشی اسلامی و معنوی دارد که در سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغیه مقام معظم رهبری در تیر ماه ۱۳۹۰ شمسی (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) این معنا در بند اولش اشاره شده است. با تبیین مبنای قرآنی آن و ترویج این نگاه در شاغلان محترم در اصناف مختلف شغلی می‌توان گام مهمی در جهت تحقق این بخش از منویات امام خامنه‌ای در سیاست‌های کلی اشتغال برداشت.

این نوشتار سعی دارد با بررسی نگاه قرآن کریم به تجارت و کسب و کار و ارائه آن به جامعه اسلامی گامی هرچند کوچک برای تحقق ترویج فرهنگ کار در سیاست‌های کلی اشتغال بردارد. وقتی این باورِ خطا اصلاح شود که می‌توان از دل تجارت و کسب و کار به معنویت رسید، بسیاری از مشکلات ناشی از کمبود معنویت نیروی کار و نبود دلسوزی در کار از بین خواهد رفت و جایش را آرامش و اطمینان و رشد تولید و پویایی کسب و کار خواهد گرفت.

این نگاشته از طرفی با علوم قرآن و فهم آیات قرآنی مرتبط است. از این زاویه باید اصول منضبط فهم متن که در علم «اصول فقه» باب الفاظ آمده است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص. ۹۳؛ صدر، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۷۹) در استخراج مفاهیم از متون قرآنی به کار گرفته شود و در برداشت‌های از کلمات با معانی واژه‌ها مرتبط است که بر پایه فرهنگ لغت‌ها استوار است (انوری، ۱۳۸۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق؛ معین، ۱۳۸۶). از طرف دیگر نیز با علوم مربوط به تجارت و صنعت ارتباط دارد (صدر، ۱۳۷۵؛ منکیو، ۱۴۰۱؛ بهشتی، ۱۳۹۷). البته این نوشتار نوعی ابداع و نوآوری در

کسب و کار و تجارت به شمار می‌رود که می‌تواند تحولی عمیق در میان کارکنان صنایع و حوزه‌های شغلی مختلف به وجود آورد و بسیاری از معضله‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی را برطرف سازد؛ زیرا با القای این نگاه در بین کارکنان می‌توان به بالندگی کارها و افزایش کیفیت آنها کمک کرد و به دنبال آنها از فواید رواج کار و شغل در جامعه بهره برد که با این رویکرد جدید به شغل و کسب درآمد اشتغال‌های آحاد جامعه مایه رشد معنویت و آرامش زندگی خواهد شد.

### ۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف از این نوشتار تبیین فرهنگ کار به‌عنوان ارزشی اسلامی و معنوی و اصلاح نگاه به کار و اشتغال است که با تحقق آن معنویت در زندگی و کسب و کار اشخاص رواج یابد و ریشه بسیاری از انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی از بین برود؛ همچنین هدف دیگر نیز برداشتن گامی هرچند اندک در راستای تحقق سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغیه امام خامنه‌ای است.

پرسش اصلی: ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن چیست؟

### ۲. پیشینه پژوهش

مسئله این نوشتار از نظر تاریخی حتی در سال‌های آغازین ظهور اسلام وجود داشته است و در حکایت‌هایی که از معصومین (علیهم‌السلام) رسیده، این مسئله در میان مسلمین پدیدار بوده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، صص. ۲۱۷ و ۲۲۰) و به دنبال آن در کتب روایی و فقهی نیز رگه‌هایی از آن به چشم می‌خورد که مجال ذکر همه آنها در این مقاله مختصر وجود ندارد. برخی از مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود.

در کتب فقهی بابی با عنوان «کتاب التجاره» وجود دارد که معمولاً در ابتدای آن از استحباب تجارت و کسب درآمد سخن گفته می‌شود و دیدگاه توافر بین کسب درآمد و معنویت طرد می‌شود و به روایات مرتبط با این موضوع استناد می‌شود. از جمله علامه حلی در کتابش بابی مستقل به استحباب تجارت و آداب آن اختصاص می‌دهد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص. ۲۷۳).

علامه طباطبایی پا را از استحباب فراتر گذاشتند و به‌وجوب کسب و کار می‌پردازند و سپس درباره مذمت بیکاری روایت‌هایی می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۸۷، صص. ۲۴۵-۲۴۷). شهید مطهری در این موضوع مباحث کامل‌تری دارند و به‌جوانب بیشتری می‌پردازند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، صص. ۴۲۲-۴۳۱).

در بخشی از کتاب شهید مطهری چنین آمده است: «در باب کار در چهار مرحله باید بحث کرد:

۱- تقدس کار از نظر اسلام (برعکس آنچه فرض می‌شود که تقدس در توفیق بیکاری است).

۲- زیان‌های بیکاری و بدتر از آن بیکارگی و اخطار به پدر و مادرانی که فرزندان خود را بیکار یا بیکاره بار می‌آورند.

۳- کلیات در باب کار از قبیل لزوم استعدادیابی در انتخاب کار و لزوم فنی بودن کار و لزوم نبوغ در هنر و لزوم پرهیز از کثرت مشاغل که فرصت فکر و فراغت را می‌گیرد.

۴- آثار و فواید کار» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص. ۴۲۷).

همچنین ایشان در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام کار و کسب درآمد را یکی از عوامل تربیت برشمرده و به مسئله این نوشتار نیز اشاره می‌کنند.<sup>۱</sup>

در میان مقالات علمی چندان به این نکته مهم پرداخته نشده است. یکی از مقاله‌هایی که تا حدودی می‌توان آن را مرتبط دانست مقاله «بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و یهود» است (پرچم و بوجاری، ۱۳۹۱).

در آثار فقهی به فرهنگ خاص قرآن کریم پیرامون کسب و کار پرداخته نشده است و به ذکر استحباب و آداب آن بسنده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرهنگ قرآن کریم کار را متصل به فضل خدا می‌داند و با تعبیر کنایی همچون «فابتغوا من فضل الله» به آن اشاره دارد که به‌طور تفصیلی به تبیین آن پرداخته می‌شود. در آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری هرچند جرعه‌های اولیه این بحث شکل گرفته است؛ ولی پرداختن به نگاه ویژه قرآن کریم در خصوص کسب و کار به چشم نمی‌خورد. در مقاله نام برده شده نیز نگاه ویژه قرآن کریم تبیین نشده و بیشتر به تطبیق میان نظر اسلام و یهود درباره کار با تحلیل منابع اصلی دو دین می‌پردازد. در مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از آیات قرآن و تعبیر ویژه «الابتغاء من فضل الله» فرهنگ قرآن کریم درباره معنویت در کسب و کار تبیین خواهد شد.

۱. هرکسی که کاری دارد می‌گوییم این بیچاره محتاج است و مجبور است که کار کند؛ فی حد ذاته آن چیزی که آن را توفیق و مقدس می‌شمارند بیکاری است که خوشا به حال کسانی که نیاز ندارند کاری داشته باشند، حال کسی که بیچاره است دیگر چه کارش می‌شود کرد؟! در صورتی که اصلاً مسئله نیاز و بی‌نیازی مطرح نیست (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص. ۹۵۱).

### ۳. ملاحظه‌های نظری

#### ۳-۱. تعریف مفاهیم

##### ۳-۱-۱. معنوی

این واژه در فارسی منسوب به معنی و به معنای باطنی و حقیقی و درمقابل آن واژه مادی و ظاهری به کار می‌رود. کسی که در عالم معنی و باطن سیر کند دارای مقام‌های معنوی است (معین، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۷۶-۱۷۷۷). همچنین به امور غیرمادی که جنبه‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی و عاطفی دارد، معنویات گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۷۱۸۲). این واژه هم‌خانواده «معنی» است که به معنای معنی؛ مفهوم؛ ایده و فکر؛ محتوا؛ مقصود و... به کار می‌رود (آذرنوش، ۱۳۸۶، ص. ۴۶۵).

مراد از این واژه در اصطلاح عرفی روشن است؛ ولی تعریف دقیق و علمی آن با پیچیدگی‌هایی همراه است. در بین تفاسیر و تعریف‌های مختلف برای معنویت، تعریف شرتونی جامع‌ترین آنها و نزدیکترین تعریف به مقصود این نوشتار به‌شمار می‌رود: «المعنوی: نسبة الی المعنی و ما لا یكون للسان فیہ حظّ و إنما هو معنی یعرف بالقلب» (شرتونی، ۱۳۷۴، ص. ۶۶۶). بر اساس این تعریف معنویت به آن حظ و بهره‌ای گفته می‌شود که قابل بیان نیست و تنها با قلب درک می‌شود. همچنین تعریف دیگری که به بخشی از حقیقت این اصطلاح اشاره کرده، این تعریف است: «ما یصلّ بالذهن والتّفکیر کفکرة الحقّ والواجب، ولا یكون للسان فیہ حظّ» (عمر، ۱۴۲۹ق، ص. ۱۵۶۷). این تعریف گرچه مشابه تعریف قبل است؛ اما به دریافت قلبی اشاره نکرده و آن را محدود به ذهن و فکر کرده است.

##### ۳-۱-۲. فرهنگ قرآن

این کلیدواژه مرکب از دو واژه «فرهنگ» و «قرآن» است. مراد از «قرآن» روشن است و مصداقش کتاب آسمانی اسلام «قرآن کریم» است. واژه‌ای که نیازمند موشکافی است، واژه «فرهنگ» است. با روشن شدن معنای این واژه، مفهوم این ترکیب نیز روشن می‌شود.

انوری در معنای واژگانی «فرهنگ» چنین آورده است: «پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است» (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۳۴۶). برای

معنای اصطلاحی این واژه در اصطلاح تعاریف مختلفی دارد که پرداختن به همه آنها و نقاط ضعف و قوتشان از مجال این نوشتار خارج است؛ اما به اختصار می‌توان گفت که بر اساس یافته‌ها اصطلاح «فرهنگ» ابتدا در علوم اجتماعی و مردم‌شناسی کاربرد داشته و به تدریج در سایر علوم اجتماعی و ادبیات رواج پیدا کرده است. جامع‌ترین تعریف فرهنگ در این فضای دانشی، این تعریف است: «فرهنگ، کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌هاست که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکامل باشد» (ندایی، ۱۳۷۸).

واژه «فرهنگ» به تناسب مضاف الیه خود مفهوم خاصی پیدا می‌کند. در اینجا واژه «فرهنگ» به «قرآن» اضافه شده و معنای خاصی از آن اراده می‌شود. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای چند لایه بدانیم که مطابق با شئون نفس انسان از چهار لایه جهان‌بینی، بینش، گرایش و رفتار تشکیل شده است، ترکیب اضافی «فرهنگ قرآن» به این معنا می‌شود که مجموعه‌ای از اصول رفتاری شایسته، گرایش‌های نیک، بینش‌ها و اعتقادهای صحیح و جهان‌بینی کاملی که قرآن ارائه می‌دهد، «فرهنگ قرآن» نام دارد که در واقع همان اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی در قرآن، «فرهنگ قرآن» را شکل می‌دهد (رضازاده جویباری و نجارزادگان، ۱۳۹۷)؛ همچنین می‌توان برای تبیین بهتر از معنای «فرهنگ قرآن» معنای انوری را بر آن افزود تا به تعریف بهتری دست یافت. در این صورت تعریف فرهنگ قرآن با این ترکیب معنایی چنین می‌شود:

«مجموعه‌ای از اندیشه، آداب و رسوم و شیوه زندگی که قرآن کریم در سه لایه باورها، گرایش‌های و رفتارهای درست ارائه می‌دهد».

### ۳-۱-۳. کار

واژه «کار» در زبان فارسی بسیار استفاده می‌شود. علاوه بر کاربردهای فراوان این واژه در گفتگوهای روزمره، در نوشته‌های علمی و ادبی نیز از این واژه بسیار استفاده می‌شود. اگر مشتق‌ها و ترکیب‌های که از این واژه ساخته می‌شود به آن افزوده شود، کاربردهای این واژه در زبان فارسی فراتر از حد تصور خواهد بود؛ به گونه‌ای که در برخی فرهنگ لغت‌های فارسی برای مفرد آن، بالغ بر بیست معنا شمرده‌اند و مشتق‌های آن و ترکیب‌هایی که با آن ساخته می‌شود، شاید بیش از ۱۵۰ کاربرد



باشد.<sup>۱</sup>

در میان معانی مفرد این واژه، چند معنا رواج بیشتری دارد و با این بحث مرتبط است. معانی مرتبط با بحث حاضر، در چهار معنای کلی قرار می‌گیرد.

### اول: مطلق فعل

در فرهنگ لغت فارسی چنین آمده است: «هرچه از انسان یا سایر موجودات سر بزند» (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). این معنا گستره وسیعی دارد و مصادیق فراوانی را شامل می‌شود.

این معنا در بدو نظر شامل تمامی افعال صادره از انسان می‌شود. گستره این معنا به‌گونه‌ای است که حتی شامل افعال غیرعقلایی و بی‌فایده نیز می‌شود؛ همچنین افعال غیراختیاری انسان را نیز دربرمی‌گیرد (تپش قلب)؛ چراکه هر دو نوع فعل از انسان سر می‌زند و مشمول معنای اول می‌شود؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد این دو نوع فعل، از گستره مفهومی معنای اول خارج است و اهل زبان فارسی واژه «کار» را به این معنا به‌کار نمی‌برند؛ مگر با تسامح و مجاز باشد. از این رو به نظر می‌رسد در ارتکاز اهل زبان فارسی، دو قید برای معنای اول این واژه نهفته است.

قید اول «فایده‌مندی» است. افعالی که غرض عقلایی برای انجام آن وجود ندارد و بیهوده به‌شمار می‌رود، واژه کار بر آن اطلاق نمی‌شود؛ برای مثال شخص تنبلی که در گوشه‌ای نشسته است و با انگشتان خود بازی می‌کند؛ به بازی او با انگشتانش «کار» گفته نمی‌شود؛ مثال دیگر در جایی که شخص بگوید: «به قدری سروصدا زیاد است که هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم».<sup>۲</sup> بدون تردید مراد از کار در این مثال، کار مفید و دارای غرض عقلایی است؛ وگرنه همین شخص در آن لحظه می‌تواند افعال غیرمفید انجام دهد.

قید دوم «اختیاری» بودن کار است. افعالی که به‌صورت غیراختیاری از انسان صادر می‌شود، واژه «کار» به آن گفته نمی‌شود؛ مانند: پلک زدن، تنفس و مانند آن.

۱. کاربردهای متعدد این واژه در کلمات مرکب و اصطلاحات آن بسیار است؛ ازجمله: کارساز، کاربرد، کارآفرین، کارگزار، کارآموده، کارآگاه، کارگاه، به‌کار آمدن، به‌کار بردن، به‌کار گرفتن، کار از دست کسی آمدن، کاربه‌کار کسی داشتن، کار از کار گذاشتن، کار از پیش رفتن/ بردن، کار دست کسی دادن، کار به‌جای باریک رسیدن، کار کسی بالا گرفتن، کار کسی ساخته بودن، روی کار آمدن، در پی کار کسی بودن، سر کار آمدن، سر کار گذاشتن و غیره (انوری، ۱۳۸۲، صص. ۵۶۴۱-۵۶۶۰).

۲. مشابه این مثال به‌عنوان شاهد برای همین معنای اول در فرهنگ لغت انوری به‌کار رفته است (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱).

به کسی که در حال پلک زدن و تنفس باشد، به این فعل او «کار» گفته نمی‌شود؛ (نمی‌گویند در حال انجام کاری است).

**دوم: سرگرمی و مشغولیت‌های روزانه** (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱).

این معنا در جایی به کار می‌رود که فعل به صورت مستمر تکرار می‌شود؛ مانند آنکه شخص چنین بگوید: «کار من شده است، رسیدگی به باغچه و گل‌های خانه» یا آنکه بگوید: «من کاری جز نگاه به آسمان ندارم»؛ این معنا با انجام یک مرتبه فعل محقق نمی‌شود و نیاز به نوعی تکرر و استمرار دارد.

این معنا نیز گستره وسیعی دارد، ولی در مقایسه با معنای اول اخص از آن است و تحت گستره مصداقی معنای اول قرار می‌گیرد. تفاوت میان این معنا با معنای اول، نکته «استمرار و تکرر» نهفته در این معنا است.

**سوم: حرفه، صنعت و هنر** (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). این معنا شامل افعالی می‌شود که برای شخص ملکه شده است؛ بدون در نظر گرفتن جنبه درآمدزایی یا عدم آن؛ مانند نقاشی، خطاطی و نجاری؛ برای مثال: «فلانی کارهای مختلفی مانند نقاشی و خطاطی می‌داند و آموزش می‌دهد».

**چهارم: اشتغال درآمدزا** (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). معمولاً متبادر از این کلمه همین معنای چهارم است؛ برای مثال: «فلانی سر کار می‌رود» یعنی شغلی برای کسب درآمد دارد؛ یا «فلانی بیکار است». یعنی شغل و منبع درآمدی ندارد. بدون در نظر گرفتن آنکه شغل، ملکه شخص هم شده باشد یا خیر. برخی از شغل‌ها نیاز به ملکه شدن ندارد؛ گرچه پس از مدتی ممارست در هر کاری قهراً ملکه آن کار حاصل می‌شود؛ ولی برخی از اشتغال‌ها به شرط داشتن ملکه شغل موردنظر، می‌تواند مشغول به آن شود و بدون حصول ملکه و مهارت لازم امکان ورود به آن شغل نیست؛ مانند: نجاری و خیاطی.

در نتیجه نسبت میان معنای سوم و چهارم، عموم و خصوص من‌وجه است؛ در معنای سوم ملکه شدن فعل ملاک است، اعم از آنکه درآمدی از جانب آن نصیبش بشود یا خیر؛ در معنای چهارم درآمدزا بودن فعل ملاک است، اعم از آنکه ملکه باشد یا خیر؛ لذا نقطه اشتراک دو معنا در فعل ملکه درآمدزا است و نقطه افتراق آنها نیز در فقدان یکی از دو ویژگی و دارا بودن ویژگی دیگر است.

**جمع بندی معنای «کار» در فارسی:** در مجموع چهار معنای کلی برای واژه «کار»

بررسی شد؛ گرچه معانی و کاربردهای دیگری نیز در کتب لغت برای این واژه آمده است؛ ولی آنچه کاربرد بیشتری دارد و با این نوشتار مرتبط است، در همین چهار معنا قرار می‌گیرد.

میان معنای اول تا سوم مراتب و درجات اشتدادی وجود دارد. مرتبه اول از معنای کار صرف «صدور فعل واحد» است که در معنای اول وجود دارد؛ مرتبه دوم «استمرار بر فعل» است که در مرتبه‌های بالاتر از صدور فعل واحد قرار می‌گیرد و مرتبه سوم نیز تحقق «ملکه فعل» موردنظر در نهاد شخص است که بالاترین مرتبه یک فعل است و بالاتر از استمرار و فعل واحد قرار می‌گیرد. معنای چهارم به جنبه درآمدزایی در این واژه اشاره دارد که در سه معنای قبل نمی‌گنجد و با آنها نسبت عموم و خصوص من وجه دارد.

به نظر می‌رسد تبادر اولیه در استعمال این واژه بدون قرینه، همین معنای چهارم باشد که استعمالات متداول عرفی نیز مؤید آن است، گرچه سایر معانی نیز دور از ذهن نیست. به هر حال آنچه در این نوشتار مقصود است، همین معنای چهارم است.

**معادل واژه کار درآمدزا در عربی و فرهنگ اسلامی:** بر اساس پژوهش‌های انجام شده در زبان عربی قدیم، کلیدواژه مشخصی برای معنای شغل و کار درآمدزا وجود ندارد. گاهی با هم‌راه‌سازی قرینه‌هایی واژه «عمل» برای این معنا به‌کاررفته است؛ برای مثال در فقه برای کسی که کار و مسئولیت انجام مزارعه یا مساقات را بر عهده می‌گیرد، «عامل» گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۲۴) و در روایات نیز به کار او «عمل» گفته شده است.<sup>۱</sup>

در عربی معاصر به تناسب هر شغلی، واژه متناسب با آن به کار می‌رود؛ مثلاً برای کارهای اداری و استخدام رسمی دولتی «المستخدم» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص. ۲۲۲)، برای خرید و فروش و تجارت «التجارة» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص. ۸۲)، برای شغل‌های صنعتی و مانند آن «العمل» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص.

۱. «عَنْ سَيِّبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ ازْرَعُوا وَاغْرَسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَاللَّهِ لَيَزُرُّعَنَّ الزَّرْعَ وَ لَيَغْرِسَنَّ النَّخْلَ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۶۰)؛

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُزَارَعَةِ الْمُشْرِكِ فَيَكُونُ مِنَ عِنْدِ الْمُسْلِمِ الْبَذْرُ وَ الْبَقْرُ وَ تَكُونُ الْأَرْضُ وَ الْمَاءُ وَ الْخَرَاجُ وَ الْعَمَلُ عَلَى الْعِلْحِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۶۸).

۶۲۸) و برای کسی که کارهای آزاد و غیرصنعتی را تجربه کرده است «الشَّعَال» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵، ص. ۴۸۶) به معنی کسی که شغل‌های بسیار دارد، به کار می‌رود. همچنین واژه «المهنته» از ریشه «م.ه.ن» برای کارهایی که نیاز به مهارت و استمرار دارد، به کار می‌رود (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵، ف، ص. ۸۹۰)؛ به نظر می‌رسد در عربی معاصر این واژه از سایر واژه‌های عربی برای این معنا بیشتر به کار رفته است.

### ۳-۲. مبانی نظری

در فرهنگ قرآن کریم از اصطلاح‌های رایج مردم برای اشاره به کسب و کار خبری نیست. در این فرهنگ نگاه به تجارت و کسب و کار فراتر از نگاهی مادی با هدف جمع‌آوری ثروت و مال است. قرآن کریم با برجسته کردن جنبه عبادی کار و کسب درآمد، آن را از یک مشغولیت دنیایی صرف خارج کرده و در دایره عبادت‌ها آورده است و حتی ثوابش را در برخی روایات با ثواب جهاد فی سبیل الله<sup>۱</sup> سنجیده است. قرآن کریم در این زمینه تعبیر خاص خود را دارد و از کار و تجارت با تعبیر کنایی «الابتغاء من فضل الله» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۱۰) یاد می‌کند.<sup>۲</sup> این تعبیر کار و تجارت را طلب همراه با کوشش و جهاد می‌داند که شاغل با تلاشش از خزانه فضل خدا طلب می‌کند. در بخش یافته‌های پژوهش نحوه دلالت این تعبیر و آیات حاوی آن تبیین می‌شود.

### ۴. روش پژوهش

این نوشتار در سال ۱۴۰۲ با روش تحقیق کیفی در قسم توصیفی - تحلیلی بر محور معانی واژگانی «کار» و آیات قرآن کریم درباره کسب و کار انجام شده است. این نگاشته منطبق با ضوابط استنباط فقهی به بررسی مسئله و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. در این روش از قواعد خاص ظهورگیری از الفاظ آیات و روایات بهره گرفته شده است و با کمک تحلیل‌های لغوی و تفاسیر قرآن کریم به نگاه حکمت‌آمیز قرآن به

۱. «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص. ۸۸).

۲. تعبیر دیگری که در قرآن آمده «البيع» و برخی مشتقاتش است (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲، ص. ۲۷۵). این تعبیر به معنای فروختن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۵؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۱۹۹) و کنایه از خرید و فروش است. خرید و فروش شامل همه موارد کار و کسب درآمد نمی‌شود و بخشی از آن را پوشش می‌دهد؛ به همین دلیل نمی‌تواند اهداف این نوشتار را به سرانجام برساند.

کسب‌وکار دست یافتیم.

برای دستیابی به ارزش معنوی کسب‌وکار ابتدا انواع کاربردهای واژه «کار» در فارسی و عربی بررسی شد تا در بررسی آیات قرآن کریم کاربرد این واژه و معادل‌هایش در قرآن روشن باشد. پس از بررسی کتب فرهنگ لغت فارسی کاربردهای فراوان این واژه و ترکیباتش با دسته‌بندی آنها معنای کار در فارسی روشن شد. برای دسته‌بندی نیازمند روشی منضبط و ملاکی مشخص بودیم. با توجه به ملاک‌های مختلفی که می‌توان برای دسته‌بندی معانی انبوه ارائه کرد، بهترین ملاک برای دسته‌بندی این بود که در جهت روشن شدن معنای کسب‌وکار باشد؛ به همین دلیل ملاک دسته‌بندی در معانی انبوه واژه «کار» انجام فعل مطلق تا انجام فعل با هدف کسب درآمد قرار گرفت و معنای آن در فارسی روشن شد.

در گام بعدی باید معادل این واژه در عربی پیدا می‌شد تا بر اساس آن آیات قرآن کریم استخراج شود. در بررسی‌های اولیه معادل‌هایی برای این واژه در عربی پیدا شد، از قبیل: التجاره، الشغال، العمل، المهنة (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق) که هر کدام اشاره به شغل‌های خاصی داشتند؛ ولی برای یافتن آیات مرتبط با کسب‌وکار سودی نداشت. پس از آنکه با این روش آیات مربوط به کسب‌وکار استخراج نشد به برخی استعمالات کسب‌وکار در فقه و روایات مرتبط با آن مراجعه شد تا سرنخی برای پیگیری این آیات در قرآن به دست آید.

پس از بررسی برخی روایت‌های مرتبط با کسب‌وکار سه کلیدواژه مهم به دست آمد که نشان‌دهنده نگاه خاص اسلام به کسب‌وکار بود. این کلیدواژه‌ها عبارت‌اند از: «الکاذب علی عیاله»، «طلب الرزق»، «الابتغاء من فضل الله» که مطابق بررسی‌ها در آیه‌ها و روایت‌ها، معمولاً با این سه تعبیر کنایی و حکمت‌آمیز از کسب‌وکار یاد می‌شود.

پس از جستجوی این کلیدواژه‌ها در قرآن کریم مشخص شد که تعبیر «الابتغاء من فضل الله» بیشترین کاربرد را در ارتباط با معنای کسب‌وکار در قرآن کریم دارد. سپس با تحلیل معنای لغوی واژه «ابتغاء» در فصل دوم و همچنین از جانب فضل خدا بودن کسب‌وکار، نگاه خاص و حکمت‌آمیز قرآن کریم به کسب‌وکار و ارزش معنوی آن در فرهنگ قرآن روشن می‌شود.

## ۵. یافته‌های پژوهش

پس از تکمیل مقدمات و دستیابی به اصطلاح خاص قرآن برای اشاره به کسب‌وکار، نوبت به ارائه یافته‌های پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی نوشتار می‌رسد.

در فرهنگ قرآن کریم کار و تلاش، تنها جنبه مادی برای تولید ثروت ندارد بلکه از نگاه قرآن کریم کار و تلاش و کسب روزی حلال، زمینه‌ای برای جلب رزق الهی است. در برخی از آیات شریف قرآن تعبیر «الْإِبْتِغَاءُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» کنایه از کار و کسب درآمد آمده است. با قرائنی که همراه این تعبیر در آیات آمده است، مراد از این تعبیر در معنای کسب و کار روشن می‌شود. در ادامه به این آیات اشاره می‌شود. آیه اول: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۱۰).

در این آیه شریفه به انتشار در زمین و طلب از فضل الهی دستور می‌دهد. آیه پیش از این آیه در سوره مبارکه جمعه، مؤمنین را به نماز جمعه، هنگام برپایی آن فرامی‌خواند و دستور به رهاکردن خرید و فروش (کسب و کار) می‌دهد: «ذُرُّوا الْبَيْعَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۹) به قرینه مقابله معنای این آیه شریفه روشن می‌شود؛ با این بیان که در آیه پیشین به رهاکردن کسب و کار هنگام برپایی نماز دستور می‌دهد، سپس در این آیه به بازگشت به همان کسب و کار پس از پایان نماز دستور می‌دهد؛ اما با تعبیر حکیمانه و کنایه‌آمیز «ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» که به جنبه معنوی کسب درآمد اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص. ۲۷۴).

آیه دوم: «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضُرُّونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۳: ۲۰).

آیه شریفه سه دسته افراد را مطرح می‌کند: دسته اول و سوم بیماران و جهادگران هستند که مصداق آنها روشن است؛ دسته دوم افرادی هستند که تعبیر مسافرت در زمین<sup>۱</sup> برای طلب از فضل الهی برایشان آمده است. بدون شک مراد از این تعبیر افراد بی‌خاصیت ترسو نیست که در جنگ حاضر نشدند؛ بلکه مراد از آن افرادی است که فایده‌ای در زمان جنگ به جامعه می‌رسانند؛ همان افرادی که به کسب و کار مشغول می‌شوند تا هزینه‌های خود، خانواده و اطرافیان را فراهم کنند. تعبیر مسافرت در زمین نیز قرینه روشنی برای استفاده معنای تجارت از این آیه شریفه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص. ۷۶). یکی از لوازم تجارت به‌ویژه در آن عصر، مسافرت در شهرهای مختلف بوده است.

آیه سوم: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبَسُونَهَا وَ

۱. «يَضُرُّونَ فِي الْأَرْضِ».

تَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَتَلْتَبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۶: ۱۴).

بر اساس آیه شریفه رام کردن دریا برای انسان، برای اهدافی بوده است، از جمله طلب فضل الهی از طریق دریا. این هدف وقتی در سیاق سایر اهداف قرار می‌گیرد، مراد از آن روشن می‌شود. سایر اهداف به اموری دنیوی اشاره دارد؛ خوردن گوشت‌های دریا و جمع‌آوری زیورآلات از آن اموری است که در زندگی مادی انسان قرار دارد. در این سیاق وقتی هدف طلب از فضل الهی را برای دریا نام می‌برد، نشان می‌دهد که به یکی از امور زندگی روزمره انسان‌ها اشاره دارد که همان کسب درآمد و روزی حلال از طریق دریا است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص. ۲۱۶)؛ اما این تعبیر نیز مانند آیات قبل یک تعبیر حکیمانه است، برای اشاره به جنبه معنوی کسب درآمد و رزق و روزی.

آیه چهارم: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَتَلْتَبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۲۸: ۷۳).

در این آیه شریفه به صورت لفّ و نشر مرتب، به دست آوردن آرامش را به شب و طلب فضل الهی را به روز نسبت داده است. ممکن است گفته شود که طلب فضل الهی در اینجا اعم از کسب درآمد است؛ اما به قرینه آیه شریفه «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۸: ۱۱) که روز را برای تأمین معیشت معرفی می‌کند، درمی‌یابیم که تعبیر طلب از فضل الهی در این آیه شریفه نیز به کسب درآمد اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص. ۷۱).

آیه پنجم: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِكُلِّ قَوْمٍ لِيَتَّبِعُوا مِنْ رِزْقِهِمْ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۷: ۱۲).

در این آیه شریفه همانند آیه قبل هدف از روشنائی روز را طلب از فضل الهی (کسب روزی) بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص. ۵۱)؛ استدلال به این آیه شریفه نیز مشابه آیه قبل است.

آیه ششم: «إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَاتَّبِعُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِنَّهُ تَرْجِعُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۲۹: ۱۷).

کلمه «رزق» در این آیه شریفه دو مرتبه آمده است که بار دوم با «ال» عهد ذکر شده تا به یکی بودن آنها اشاره کند. مراد از «رزق» اول رزق مادی است؛ چراکه بت پرستان با عبادت بت‌ها، رزق خود را از آنها طلب می‌کردند. آیه شریفه هرگونه

رزقی را از غیر خداوند سلب کرده و آن را ویژه خداوند متعال معرفی می‌کند. در نتیجه مراد از رزق دوم نیز روزی مادی است که باید آن را از خداوند طلب کرد. با این بیان روشن می‌شود که مراد از این عبارت کسب درآمد است و همانند آیات قبل با تعبیر کنایی حکیمانه آمده تا به جنبه معنوی کسب درآمد اشاره کند. نکته قابل توجه آنکه گرچه تعبیر این آیه شریفه با سایر آیات قدری تفاوت پیدا کرده است؛ ولی در دلالت معنای آن تفاوتی ندارد. در اینجا به رزق تصریح شده است که سبب قوی‌تر شدن ظهور آن در کسب درآمد می‌شود؛ اما در سایر آیات تعبیر «من فضل الله» وجود داشت. چه بسا به همین دلیل این آیه شریفه برای سایر آیات قرینه ای به‌شمار رود که ظهور آنها را روشن‌تر می‌سازد.

با توجه به تبیین وجه دلالت در هر آیه کسب درآمد از آنها قابل استفاده است؛ اما تحلیل لغوی واژه «ابتغاء» به فهم آیات شریفه در این زمینه کمک بیشتری می‌کند. در ادامه به آن می‌پردازیم.

### ۵-۱. تحلیل معنای واژه «ابتغاء»

واژه «ابتغاء» از باب افتعال و از ریشه «ب.غ.ی» است. قدمای اهل لغت همچون فراهیدی این واژه را به معنای طلب آورده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص. ۴۵۳)؛ اما متأخرین از اهل لغت چنین معنا نمی‌کنند. راغب معنای این واژه را صرف طلب نمی‌داند<sup>۱</sup> بلکه آن را «طلب همراه با اجتهاد» معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۳۷)؛ همچنین مصطفوی، ریشه این واژه را به معنای طلب شدید معنا می‌کند و این معنا را در تمام مشتقات جاری می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص. ۳۳۴).

به نظر می‌رسد به کارگیری واژه «ابتغاء» برای این معنا، حاوی نکته ظریفی است و معنای آن صرف «طلب» نباشد. چراکه وقتی به کاربردهای آن در آیات شریف دقت شود، واژه طلب نمی‌تواند جایگزین آن باشد و در این صورت ظرافت‌های معنایی خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین گرچه اکثر کتب لغت متقدم معنای این واژه را طلب می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد دقت جناب راغب و برخی متأخرین صحیح باشد و معنای این واژه، به‌ویژه در کاربردهای قرآنی، به نوع خاصی از طلب اشاره دارد که همان «طلب همراه با تلاش و کوشش» است.

با این حال ممکن است این معنا به دلیل نبود شاهدی قوی از اهل لغت قابل

۱. ایشان معنای واژه «بغی» را به دو قسم تقسیم می‌کند: محمود و مذموم؛ این معنا را ذیل «بغی محمود» می‌آورد.



قبول نباشد که در این صورت در استفاده ما از آیات اثری ندارد. به نظر ما از این آیات شریف معنای کسب و کار فهمیده می‌شود که ریشه چنین فهمی ممکن است همین تحلیل ظریف لغوی باشد یا آنکه قرینه صارف‌های مختص همین استعمال، معنای آن را به کسب و کار منصرف کرده باشد.

با توجه به معنای واژه «بتغاء» مراد از این آیات شریف در معنای کسب و کار روشن می‌شود. بر این اساس تعبیر «الابتغاء من فضل الله» نباید صرف طلب از خداوند متعال، بدون هیچ تلاش و کوشش معنا شود بلکه معنای طلب همراه با تلاش و کوشش از این تعبیر فهمیده می‌شود که ریشه‌اش می‌تواند قرائن همراه آیات یا دقت در ظرافت‌های لغوی باشد. در تفاسیر نیز این تعبیر به همین معنا تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص. ۲۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص. ۵۴۲-۵۴۳؛ زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص. ۲۳۹۷).

علاوه بر آیاتی که تاکنون اشاره شد، آیات دیگری نیز وجود دارد که به برخی از لوازم کسب و کار اشاره می‌کند؛ اما دلالت روشنی بر آن ندارد. در این آیات، بر معاش قرار داده شدن روز تأکید دارد،<sup>۱</sup> کنایه از آنکه روز، زمانی برای امرار معاش و کسب رزق و روزی قرار داده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص. ۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۶۳۹-۶۴۰)؛ همچنین بر قرار داده شدن معیشت انسان‌ها در زمین تأکید دارد<sup>۲</sup> و نیز پس از ذکر نعمت‌های زمینی و دریایی، آنها را روزی انسان‌ها بیان می‌کند،<sup>۳</sup> کنایه از آنکه انسان‌ها باید از آن طریق رزق خود را به دست آورند و شواهد فراوان دیگری که می‌توان از کتاب الهی به دست آورد.

آنچه که فرهنگ قرآن در تمام آیات اشاره شده همواره بدان تأکید می‌کند از جانب پروردگار بودن درآمد و روزی است. قرآن کریم همواره توجه مخاطبان را به این نکته جلب می‌کند که درآمد و رزق و روزی از جانب پروردگار است و نگاه صرف

۱ «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۸: ۱۱).

۲ «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷: ۱۰)؛ «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَتَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونًا» و «جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۵: ۱۹-۲۰).

۳ «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّرَاةِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ». (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۴: ۳۲)؛ «رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلُوكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۷: ۶۶).

مادی به کسب درآمد با قطع نظر از جنبه معنوی آن در هیچ یک از آیات قرآن کریم یافت نمی‌شود.

در نتیجه فرهنگی که قرآن درباره کسب و کار آورده است، همواره نگاه به فضل پروردگار را برای خیر و برکت در کسب و کار القاء می‌کند و تأکید دارد که آنچه به دست بنده می‌رسد رزقی است که خداوند متعال نصیب او فرموده است و باید بنده به آن توجه داشته باشد. وقتی بنده به این حقیقت در خصوص کسب و کارش توجه کند زندگی و تجارتش پر از معنویت خواهد شد و همین کسب و کارش مایه رشد و ارتقای معنوی او می‌شود.

### نتیجه‌گیری

این نوشتار با هدف تبیین فرهنگ قرآن در رابطه با ارزش معنوی کسب و کار نگاشته شد و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن کریم چیست؟ با بررسی معانی واژه کار و دستیابی به اصطلاحات خاص اسلام در معنای کسب و کار مطالعه عمیق فرهنگ قرآن در کسب و کار انجام شد. طبق یافته‌ها که در مفهوم‌شناسی ارائه شد، در آیات و روایات با تعبیری همچون «طلب الرزق» و «الابتغاء من فضل الله» از کسب و کار یاد شده است. با پژوهش‌های انجام شده در این تعبیر و آیات مشابه دریافتیم که قرآن نگاهی بسیار لطیف و حکمت‌آمیز به کسب درآمد دارد و مخاطبانش را به نکاتی عمیق در کار و کسب درآمد توجه می‌دهد که سبب رشد معنوی آنها خواهد شد.

با توجه به یافته‌های پژوهش دریافتیم که در قرآن کریم از اصطلاح‌های رایج و عرفی - که صرفاً نگاهی مادی به کار و ثروت دارد - برای اشاره به کار و کسب درآمد پرهیز شده و اصطلاح «الابتغاء من فضل الله» به کار رفته است. همین امر موجب شد که با دقت در این اصطلاح و پی‌بردن به ظرافت‌های آن نکات مهمی به دست آید و ارزش معنوی کار در فرهنگ قرآن روشن شود.

در این فرهنگ جلب روزی با تنبلی و بدون تلاش و کوشش نخواهد بود و باید با کوشش و تلاش انتظار جلب روزی داشت که قرآن کریم با واژه «الابتغاء» به این معنا اشاره کرده است. همچنین درآمدی که از تلاش و کوشش به دست می‌آید، نباید نگاهی مادی و منقطع از پروردگار به آن داشت بلکه باید آن را از جانب فضل خدا دانست که همین امر موجب رشد معنویت در انسان می‌شود که قرآن کریم با افزودن قید «من فضل الله» به واژه «الابتغاء» به این نکته ظریف و ارزشمند اشاره کرده است.

در نتیجه دستاورد مهم این مقاله این است که فرهنگ قرآن نگاهی بسیار عمیق و والا درباره کسب درآمد به مخاطبانش ارائه می‌دهد به گونه‌ای که انسان با توجه به این دو نکته اشاره شده می‌تواند با کسب و کارش علاوه بر جلب روزی و افزایش ثروت حلال خود با توجه به رابطه میان آن درآمد و پروردگار به رشد معنوی خویش در امور معنوی و جلب آرامش در زندگی بپردازد. دستاورد دیگری که با نگارش این مقاله به دست آمد گام برداشتن در راستای تحقق سیاست‌های نظام اسلامی در ترویج فرهنگ کار در کشور است که با تبیین این نگاه اشتیاق بیشتری به کار و ارتقای کیفیت آن انجام می‌شود.

در راستای ترویج فرهنگ کار و تقویت نگاه معنوی به کار در میان کارکنان پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- بررسی راهکارهای ترویج نگاه عبادی به کار با هدف ترویج فرهنگ کار؛
- بررسی اثر نگاه معنوی به کار در رشد کیفیت محصول و شادابی و نشاط کارکنان با انجام تحقیق‌های میدانی؛
- طراحی الگوی کسب و کار در اسلام.

## فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۸). ترجمه حسین انصاریان، قم: آیین دانش.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بستانی، فواد (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
- پرچم، اعظم و بوجاری، سهیلا (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و بهبود معرفت/دیان، (۱۱)، ۴۵-۶۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- رضازاده جویباری، علی و نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۹۷). راهبردها و روش‌های نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن بر پایه گرایش فطری انسان به کمال و زیبایی. قرآن شناخت، ۴۱-۶۲.
- زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق). التفسیر الوسیط. دمشق: دار الفکر.
- شرتونی، سعید (۱۳۷۴). أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. تهران: منظمه الاوقاف و

الشؤون الخيرية. دار الأسوة للطباعة و النشر.

بهشتی، محمد (۱۳۹۷). *نظام اقتصادی در اسلام*. تهران: روزنه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حکمت‌ها و اندرزها ۱ و ۲)*. تهران: صدرا.

صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*. قم: مکتب الإعلام الإسلامي.

صدر، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *دروس فی علم الأصول؛ الحاقه الثالثه*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *تعالیم اسلام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه.

عمر، احمد (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربیة المعاصرة*. قاهره: عالم الکتب.

فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مجمع اللغة العربیة (۱۴۲۵ق). *المعجم الوسیط*. قاهره: مکتبه الشروق الدولیه.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکبیر*. بیروت - قاهره - لندن: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *اصول الفقه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم.

معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: ادنا.

منکیو، گریگوری (۱۴۰۱). *کلیات علم اقتصاد*. تهران: نشر نی.

ندایی، مژگان (۱۳۷۸). گونه‌شناسی فرهنگ سازمانی. مصباح، شماره ۳۱، صص. ۴۳-۵۸. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). سیاست‌های کلی اشتغال. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای: <https://khl.ink/f/16716>

## References

- The Holy Quran (2018). Translation: Hossein Ansarian. Qom: Ain Danesh Azarnoush, A. (1386). Contemporary Arabic-Persian culture. Tehran: Ney Publishing.
- Anuri, H. (1382). Great speech culture. Tehran: Sokhn.
- Bustani, F. (1375). Alphabet culture. Tehran: Islamic.
- Parham, A. & Bojari, S. (2011). A comparative study of the value and status of work in Islam and Judaism. Knowledge of Religions, 45-64.
- Ragheb Esfahani, H. (1412). Vocabulary words of the Qur'an. Beirut: Dar Al Qalam.
- Rezazadeh Joybari, A. & Najarzagagan, F. (2017). Strategies and methods of institutionalizing Quranic culture based on human's natural tendency towards perfection and beauty. Qur'an Knowledge, 41-62.
- Zaheili, (1422). Al-Tafsir al-Wasit. Damascus: Dar al-Fakr.
- Sheratoni, S. (1374). The closest resources in the Arabic Passover and Al-Sheward. Tehran: Organization of Al-Awqaf and Charity Affairs. Dar al-Aswa for printing and publishing.
- Shahid Beheshti, M (2017). Economic system in Islam. Tehran: Rozeneh.
- Shahid Motahari, M. (1384). A collection of works by Master Shahid Motahari (Wise and Advice 1 and 2). Tehran: Sadra.
- Sadr, M. (1375). Economy Qom: School of Islamic Media.
- Sadr, M. (1423). Lessons in Islamic science; The third episode. Qom: Jamal al-Fakr al-Islami.
- Tabatabayi, M. (1390). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Tabatabai, M. (1387). Islamic teachings. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
- Tabarsi, F. (1372). Assembly of Bayan in Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosrow.
- Allameh Hali, H. (1412). The ultimate goal of religious research. Mashhad: Astana al-Razwiyyah Al-Maqdsa, Islamic Research Council.
- Omar, A. (1429). Dictionary of modern Arabic language. Cairo: Alam al-Katb.
- Fakhr Razi, M. (1420). Al-Tafsir al-Kabir Beirut: The Revival of Arab Heritage.
- Farahidi, Kh. (1409). Kitab al-Ain. Qom: Emigration Publishing.
- Klini, M. (1407). Al-Kafi (A. Ghaffari, & M. Akhundi, editors) Tehran: Dar al-Kutub al-Islami.

- Jamal al-Lagha al-Arabiya (1425). Al-Mujajm Al-Usayt Cairo: Al-Sharoq al-Dawliyya School.
- Mohaghegh Hali, C. (1408). The laws of Islam in matters of halal and haram. Qom: Ismailian.
- Mostafavi, H. (1430). Investigating the words of the Holy Qur'an. Beirut-Cairo-London: Dar Al-Katb Al-Alamiya-Publishing Center of Allameh Mustafavi's works.
- Muzaffar, M. (1430). Principles of jurisprudence. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute affiliated to Jama'ah al-Madrasin of Boqm.
- Moin, M. (1386). Moein dictionary. Tehran: Edna.
- Menkiu, G. (1401). General economics. Tehran: Ney Publishing.
- Nadai, M. (1378). Typology of organizational culture. Misbah, 43-58.
- Nouri, H. (1408). Mustardak al-Wasail and Mustabt al-Masal. Qom: Al El Bayt Institute.
- Imam Khamenei, S. (1390). General employment policies. Information base of Ayatollah Khamenei <https://khl.ink/f/16716>

